



مترجم:

Lan Neji

ادیتور:

Sg~

کاری از تیم آپریس سکای



IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IriSekai



باید فقط
از لرد جرال‌دین
سوال کنم!

مشخصات:
شوالیه ک
خانهای
طلوعین

جرالدین جوان رونل.

하-망

جرالدین...
کدوم خریه؟

این یارو
دیگه...

چه خریه...؟!

아빠, 나이 결혼 안 할래요!

만화 • Roal 각색 • 유리

채색 • Candlebambi

원작 • 홍희수

23

조용

.....

شوالیه ایه
که اسکورتم
میکنه.

مخلصیم
داداش...

هروقت که میرم
بیرون دنبالم میاد

برای همینم
هرکسی که منو
میشناسه با اونم
اشناس.

مطمئنم که اگه به بابام
بگم از دیدن و همراهی
ادمایی که پشتتم شایعه
ساختن میترسم

قبول میکنه با
شوالیه ام برم.

درسته...

تازه چون یکی از
فامیلای مامانم هست
شایعه و مشکل خاصی
پیش نیما.

پس بهترین ادمیه
که میتونم انتخاب
کنم مگه نه؟

با یه تیر
رو نشورت میزنم.

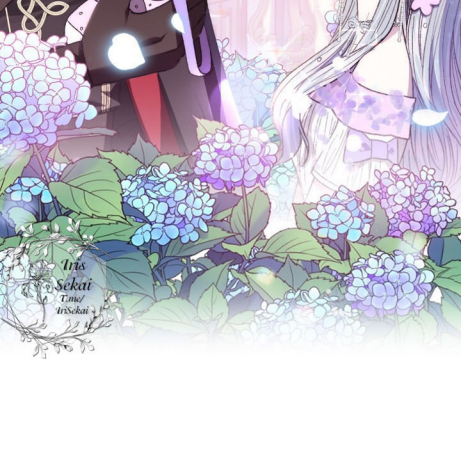
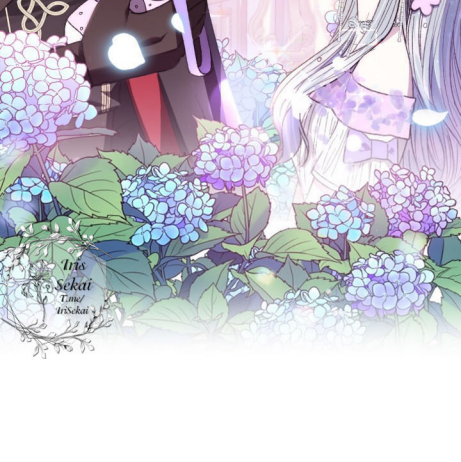
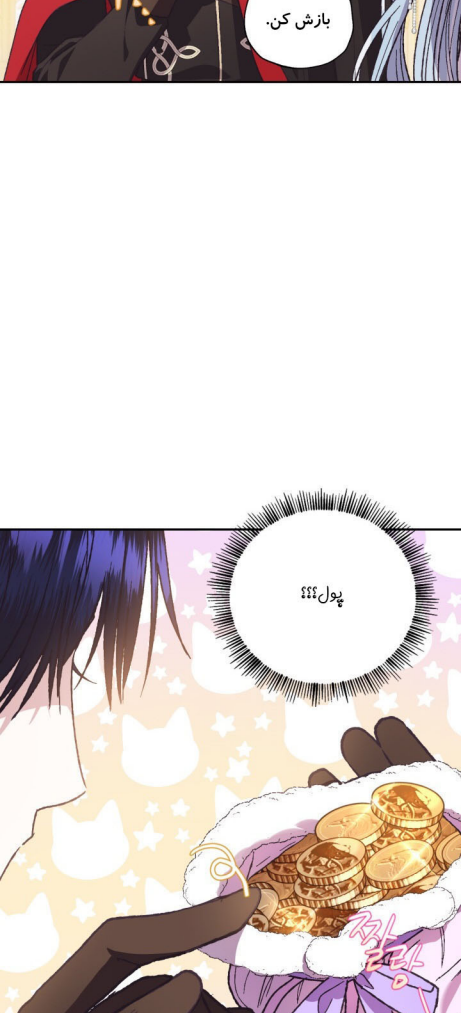
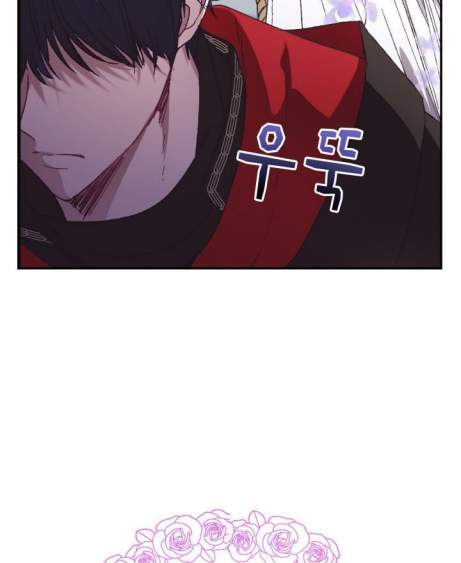
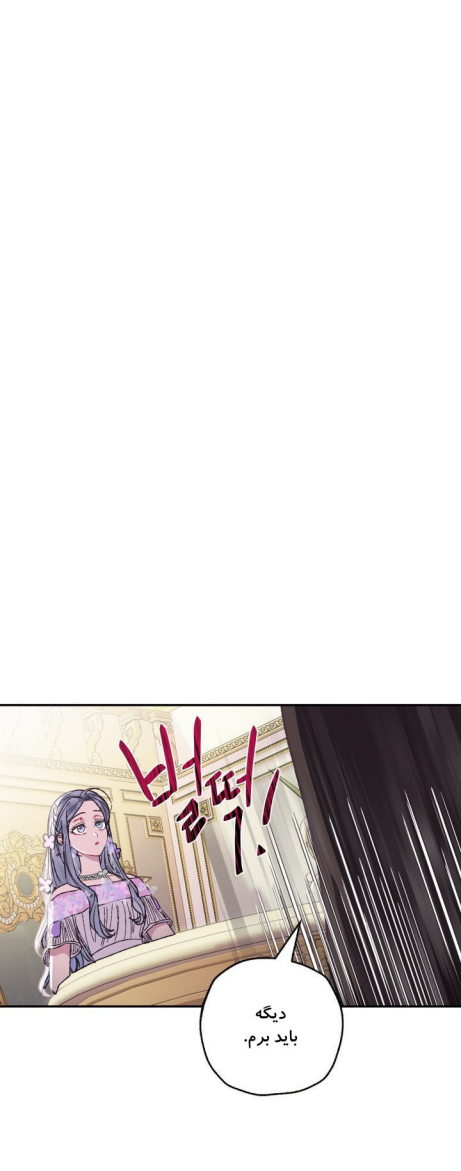
خوبه! بازم
اگه فامیلته اوضاع
امنو اماتنه.

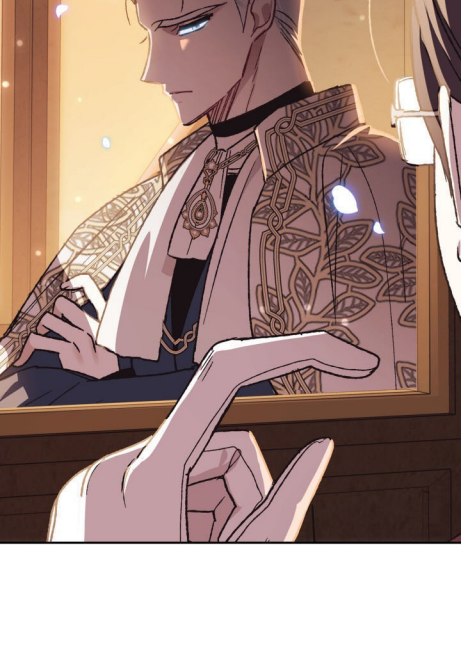
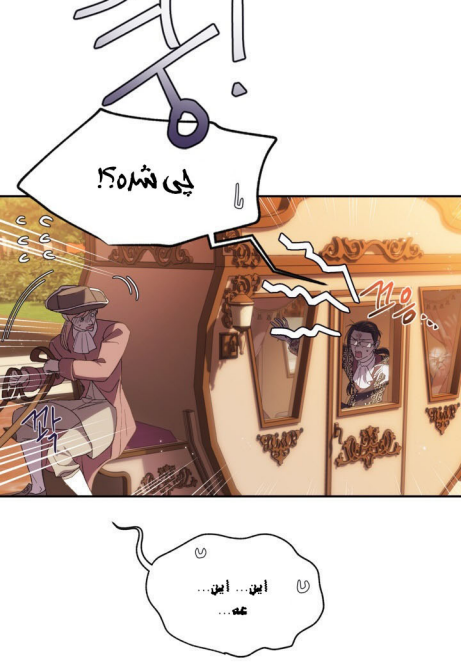
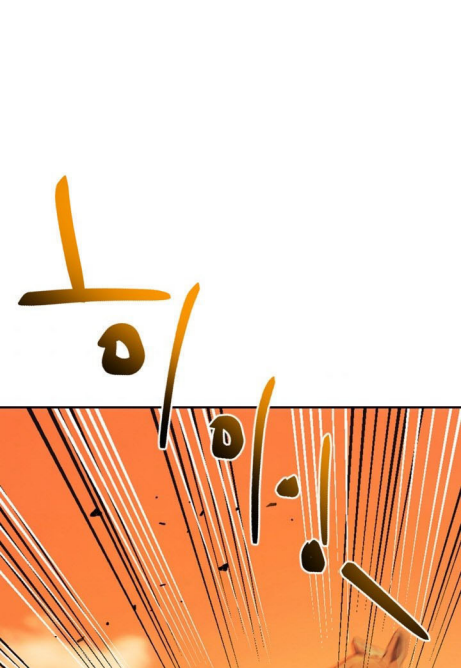
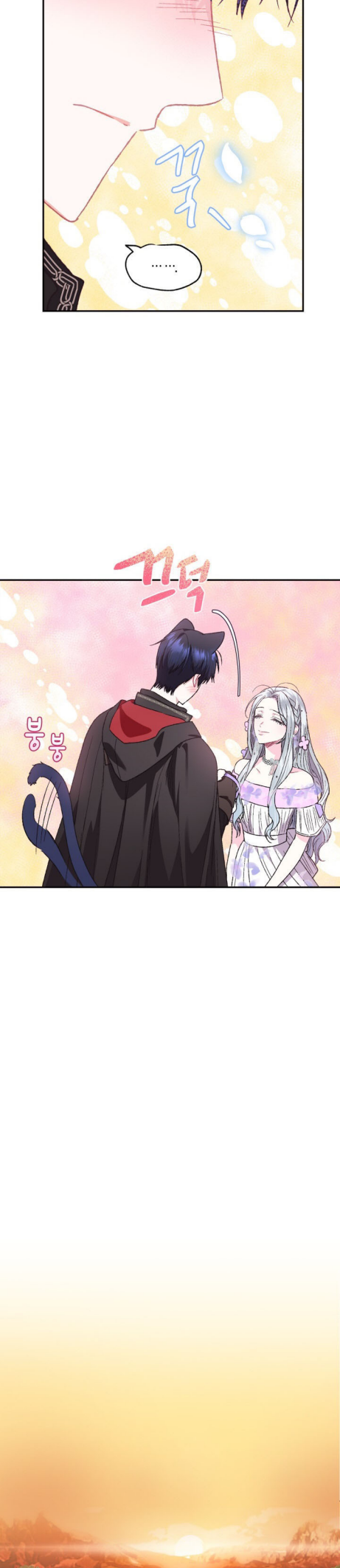
منونم...

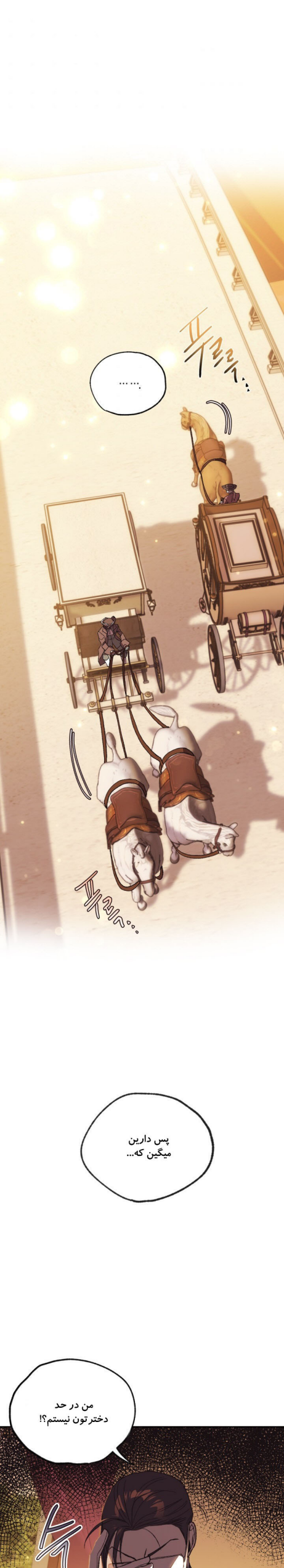
واپسا پیچتم...
واسه چی خوشحال
شدم؟!

په من چه که
میخوای یا کی
پری پیرون؟!

کارل نجر: سلطان رونل
در انواع بوکسیت ها







.....

پس دارین
میگین که...

من در حد
دختر تون نیستم؟!



الان دارین بهم
هشدار میدین که
نزدیکش نشم؟!

اگه فهمیدی که با
برگردوندن درشکه ات
خوشحالمون میکنی.



عه! ترجیح میدم
از خودش نظرشو
پیرسم نه شما!

این روزا انجام دادن
همچین کارایی بین دخترها
خیلی طرفدار داره.



تو... مقابل من...
کارت نمومه...
اصلا راه نداره...

بله،
فهمیدم،
عه.

البته که برومیر گول حرفاشو خورد و قانع شد.



معلومه که
جوولیان منو
دوست داره...

شام چاره ای
نداری جز اینکه منو
انتخاب کنی..

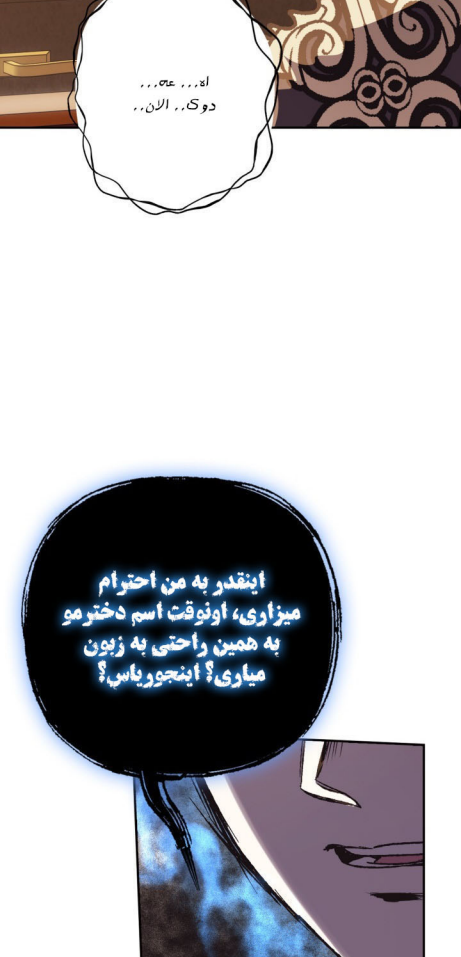


جوولیان؟!



چجوری
شخم میکنی

اسم دخترمو
به زبون بیاری!



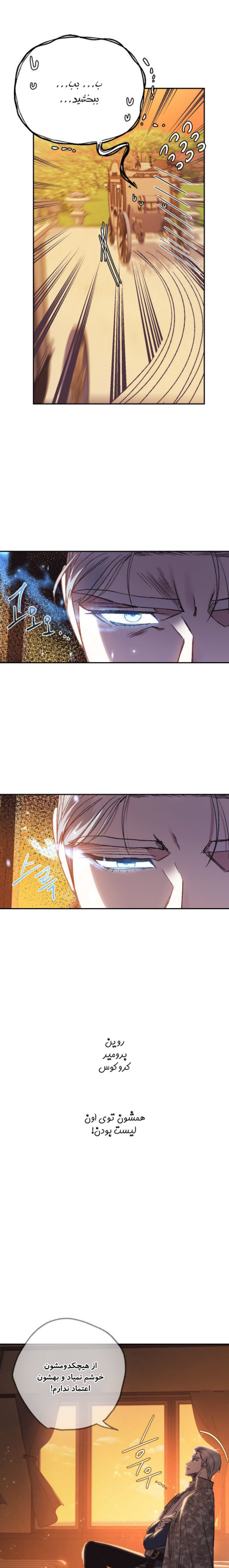
اوه... عه...
دو... الان...

اینقدر به من احترام
میزاری، اونوقت اسم دخترمو
به همین راحتی به زبون
میزاری؟! اینجوریاس؟!





رونالد هرن
کروکوس



به نظرت تک
دخترم از وناس که
اسون به دست میاد؟!



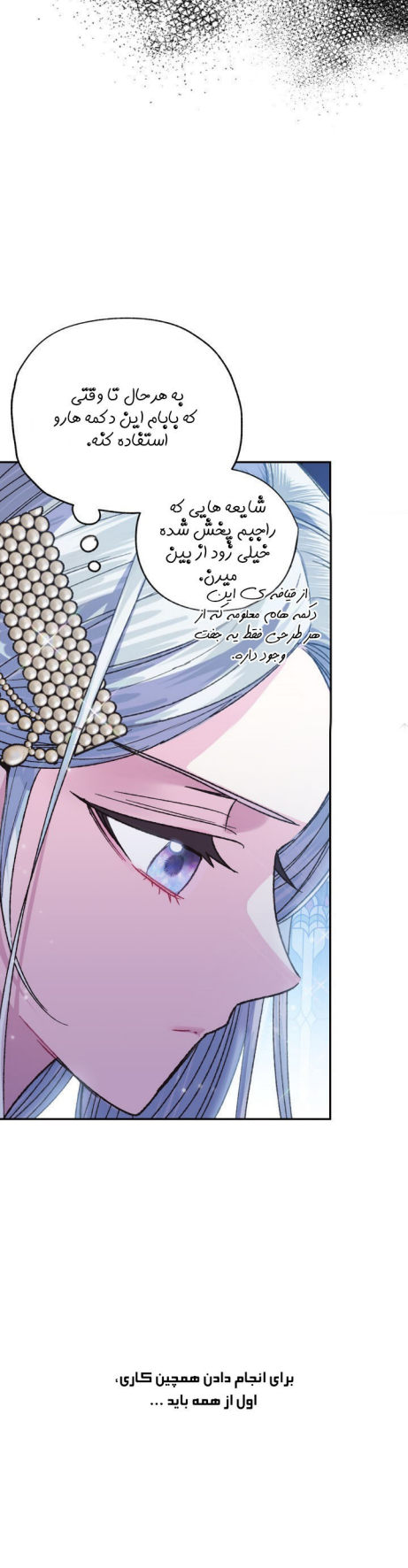
روین
پرومید
کروکوس

همشون توی اون
لیست بودن!



از هیچکدومشون
خوشم نمیداد و بهشون
اعتماد ندارم!

پایده درک بگم لیستو از روی
چهرک نویسا از اول بنویسه!



یه نقشه ی
خفن دارم.

طبق این شایعه هابی
که راجبم درومده.



میگن دکمه های
سر آستینی که برا
بابام خریدم..

یه هدیه برای
معشوقه ی مخفی و
مرموزم بوده.

تا اونجایی که بادم
میداد، وقتی که داشتم این
دکمه هارو میخریدم

فقط رادیانو
دیدم.

به هر حال تا وقتی
که پایام این دکمه هارو
استفاده کنه.

شایعه هابی که
راجبم پخش شده
خیلی زود از بین
میدرن.
از قیاسم که اینج
دکمه هارو معلوم کنه از
هر طرف فقط یه جهت
وجود داره.

برای انجام دادن همچین کاری،
اول از همه باید ...

بابا همونجور که
قبلا بهم قول داده بودی
بل از شام برگشتی. خیلی
خوشحالم اینقدر زود
اومدی.



درک گفت میخوای
یه چیزی بهم بگی.

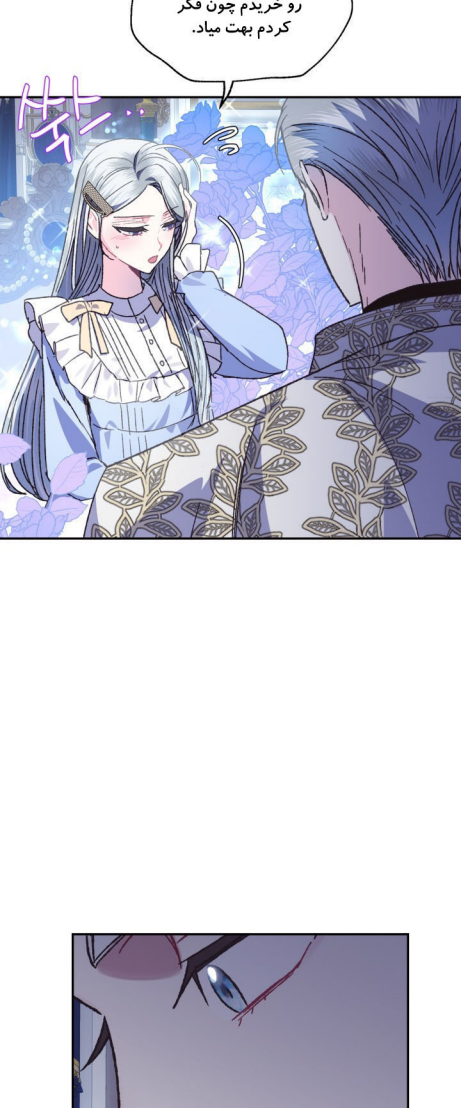
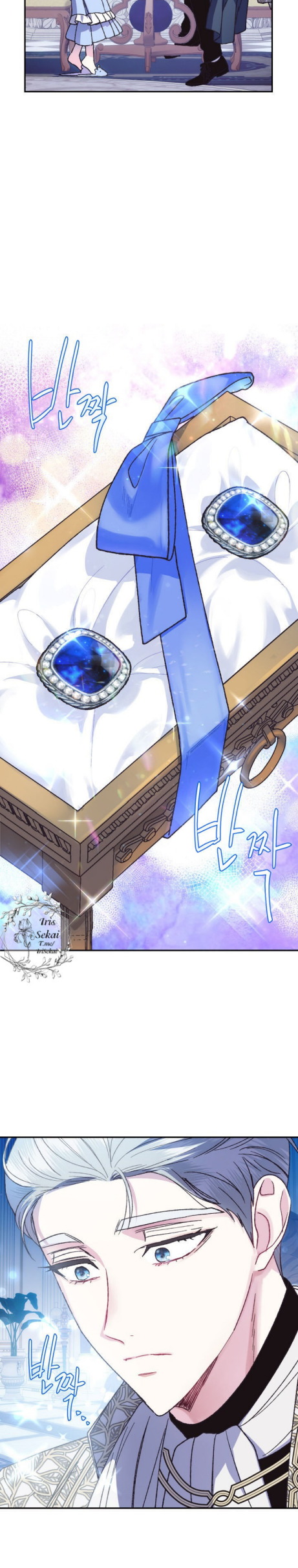
1



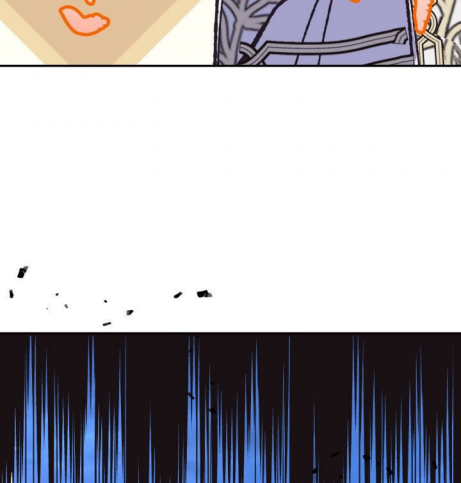
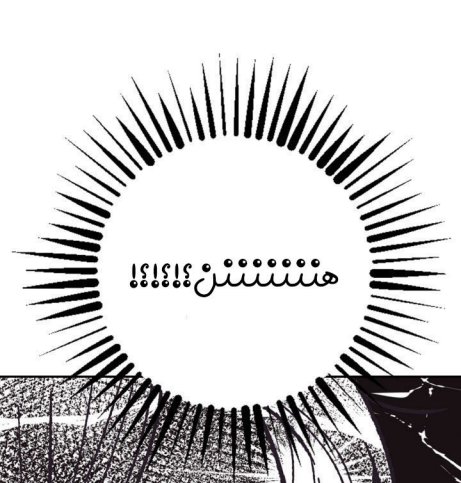
فکر میکنم
یه چیز خاصی
په حد اقل.

10

هست.



الانتم که باز عکس





از شما برای خوندن کامون
ممنونیم لطفا **کپی نکنین** و
بدون **ذکر منبع** کار مارو جایی نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تگراممون از ما **حمایت کنین** و کارهای
جذاب دیکمون رو هم بخونین.